



از زمان مواجهه ایرانیان با مدرنیته، جامعه ما پیچیده تر شده است

دومین نشست «علوم انسانی و مسائل جامعه ایرانی» به همت مؤسسه حامی علوم انسانی، فرهنگسرای اندیشه و خانه اندیشه‌ورزان با عنوان علوم اجتماعی آکادمیک برای فهم جامعه چه کرده است؟ برگزار شد.

دومین نشست «علوم انسانی و مسائل جامعه ایرانی» به همت مؤسسه حامی علوم انسانی، فرهنگسرای اندیشه و خانه اندیشه‌ورزان با عنوان علوم اجتماعی آکادمیک برای فهم جامعه چه کرده است؟ برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، دومین نشست از سلسله نشست های «علوم انسانی و مسائل جامعه ایرانی» به همت مؤسسه حامی علوم انسانی، فرهنگسرای اندیشه و خانه اندیشه‌ورزان با عنوان «علوم اجتماعی آکادمیک برای فهم جامعه ایرانی چه کرده است؟» در تالار گفت وگویی فرهنگسرای اندیشه برگزار شد.

مقصود فراستخواه، استاد مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی گفت: نخست باید به این سوال پاسخ داد که علوم اجتماعی برای جامعه ایرانی چه کشیده است؟ امروزه «دولت علم» در مقابل «جُلت ناعلم» قرار گرفته است. علوم اجتماعی در ایران دچار اختلال عملکردی شده است؛ چون از علوم اجتماعی مکان زدایی، معرفت زدایی و زبان زدایی شده است.

نویسنده کتاب «ما ایرانیان» افزود: وقتی این علم دچار اختلال کارکردی شده، چگونه می تواند به مدیریت پیچیده جامعه ایران، یاری رساند؟ ما باید از جامعه ایران آشنایی زدایی کنیم؛ یعنی بینیم مسئله ایران چیست؟ چرا ساخت جامعه مشکل شده و چگونه جامعه ساخته می شود؟

وی یادآور شد: چقدر متفکران فرصت دارند جامعه ایران را پروبلماتیک کنند و مسئله های جامعه را بیان کنند؟ علم باید اختیارات معرفت شناختی داشته باشد. ما این مصیبت ها را از کجا می کشیم؟ چون قاعده ها بهم ریخته است. چون ورود سیاست به علم داشته ایم و این دخالت ها، بیشتر علوم اجتماعی را که موضوعش خیر و حقیقت و قدرت و ثروت هست را دچار خسران کرده است.

سید جواد میری، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دیگر سخنران این نشست در ادامه افزود: وقتی با سوال «علوم اجتماعی آکادمیک برای فهم جامعه ایرانی چه کرده است؟» مواجه شدم، به نظرم رسید سوال دیگری مطرح کنم که آیا امکان دیگری وجود داشت که ما بدون این علوم، بتوانیم در عالم مدرن «ما» شویم؟ اساساً این «ما» را از کجا به دست آورده ایم؟ این مفهوم کلان و بزرگ که همه چیز را به آن ارجاع می دهیم، مفهوم «ملت-دولت» است و این اصل «ملیت» از کجا به دست آمده است؟ ما امپراطوری یا خلافت نیستیم. ما قبیله و ایل نیستیم. ما یک ملتیم؛ اما چه کسانی آن را در دهان و ذهن ما گذاشته که بلندبلند تکرارش می کنیم؟

وی به کتابی از «زیگمونت باومن» با ترجمه ضمنی «چگونه جامعه شناسانه بیندیشیم» اشاره نموده و تصریح کرد: وی سؤالی در ابتدای این کتاب مطرح می کند که چرا همه اقدار، در مورد مسائل اجتماعی نظر می دهند اما در مورد علوم دیگر می گویند نمی دانیم؟ وی پاسخ می دهد که این امر طبیعی، همگانی و درست است؛ چون همه انسان ها تجربه زیسته اجتماعی دارند و درک می کنند که چه اتفاقاتی، در پیرامون آن ها و جامعه، صورت می پذیرد.

وی ادامه داد: به عبارتی دیگر، کسانی که متخصص این علم نیستند، نمی دانند که چقدر متأثر از تخیل و تفکر جامعه شناسانه هستند. برای مثال، مفهوم «طبقه» و «شکاف طبقاتی» که میان همه آحاد جامعه تبادل می شود، از کجا آمده است؟ این مفهوم آرام آرام از جامعه شناسی وارد کهکشان اجتماعی ما شده است؛ به گونه ای که جامعه شناسی از زبان ما سخن می گوید. بدون اینکه بدانیم، در تفسیر زندگی اجتماعی نیاز به مفاهیم داریم، نیاز به برداشت ها و چشم انداز داریم؛ اما چون ملموس نیست، فکر می کنیم جامعه شناسی مگر چه کار می کند؟!

نویسنده کتاب «تداوم و گسست» در ادامه افزود: وقتی با این سوال که «اندیشکده های علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی، برای جامعه چه کار می کنند؟» مواجه ایم، باید یک پله عقب تر برویم و بپرسیم که «اگر واقعاً علوم اجتماعی و علوم انسانی نبودند، این «واقع بودگی» خودمان را چگونه می توانستیم صورت بندی و تفسیر کنیم؟»

این استاد دانشگاه تصریح کرد: از زمانی که مواجهه ایرانیان با عصر عقلانیت مدرن یا مدرنیته وارد گفتگو شده، جهان انسانی ما

عمیق تر و گسترده تر شده و جامعه ما نیز پیچیده تر شده و امکان های بیشتری دارد. آن چیزی که ما را از هم مجزا می کند، زمان و مکان طبیعی نیست بلکه «زمان اجتماعی» یا امکان های اجتماعی است که به «ساحت اعتباریات» بر می گردد.

صاحب کتاب «زبان مادری در گفتمان علوم اجتماعی» گفت: در پاسخ به این سوال که علوم اجتماعی چه کرده، باید گفت که جهان انسانی و اجتماعی ما را «تفسیر پذیر» کرده و دامنه و وسعت آن را بسط داده است. اگر فرهنگ، جامعه یا کشوری می خواهد در جرگه ملل متمدن باشد، بدون استمداد از علومی که به دامنه اعتباریات، به دامنه فرهنگ و امر اجتماعی عمق می دهد، نمی تواند امکان توسعه، بسط و امکان زندگی انسانی را داشته باشد.